



کیفر برابر، ولی پاداش چند برابر

جَزَاءٌ وَفَاقًا (۲۶- نیا)

این مجازاتی است موافق و متناسب اعمال آنها در آیات قرآن کریم مکرر به چشم می خورد که خداوند متعال پاداش کار خیر را بیش از آنچه هست عنایت خواهد کرد. (۱) ممکن است از این حقیقت چنین برداشت شود که پس تبهکاران نیز چند برابر عذاب خواهند شد که این آیه و نظایرش (۲) جلوی این توهم باطل را گرفته و به صراحت

اعلام می کنند که آن جزای چند برابر، تنها مخصوص عمل صالح است و کیفر بدی جز به همان میزان نخواهد بود؛ چرا که ذره ای ظلم به ساحت مقدس خداوند متعال راه ندارد (۳).

باید توجه داشت که:

۱. این قانون الهی در پاداش و کیفر، اشکالی را متوجه عدالت او نمی کند؛ زیرا وقتی عدالت رعایت نمی شود و ظلم اتفاق می افتد که پاداش کمتر از آنچه باید داده شود و یا فرد، بیش از آنچه که استحقاق دارد عذاب گردد در حالی که طبق این قانون، نه پاداش کمتری داده می شود و نه عذاب بیشتری اعمال می شود.

کسی که طغیان و سرکشی کرده و زندگی دنیا را [بر زندگی ابد و جاوید آخرت] ترجیح داده؛ پس بی تردید جایگاهش دوزخ است و اما کسی که از مقام و منزلت پروردگارش ترسیده و نفس را از هوا و هوس بازداشته است؛ پس بی تردید جایگاهش بهشت است

۲. این قانون در مورد اعمالی است که در قیامت حاضر شوند (۴)؛ پس اگر عمل صالحی با کفر و گناهان دیگری در همین دنیا نابود شد و از بین رفت و یا اگر گناهی در همین دنیا با توبه و اصلاح و جبران اثری از آن باقی نماند دیگر مشمول این قانون نمی شوند؛ زیرا دیگر چیزی باقی نمانده که تا پاداش یا کیفر داده شود.

راهکار دریافت اقامت در بهشت و اسکان در جهنم

فَأَمَّا مَنْ طَغَى (۳۷) وَءَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸) فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۳۹) وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (۴۰) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱- نازعات)

و اما کسی که طغیان و سرکشی کرده و زندگی دنیا را [بر زندگی ابد و جاوید آخرت] ترجیح داده؛ پس بی‌تردید جایگاهش دوزخ است و اما کسی که از مقام و منزلت پروردگارش ترسیده و نفس را از هوا و هوس بازداشته است؛ پس بی‌تردید جایگاهش بهشت است.

در این آیات، حال و روز مردم در قیامت بیان شده است که در آن روز مردم دو دسته می‌شوند:

عده ای کسانی اند که در برابر پروردگارشان استکبار ورزیدند و از مرز عبادت او خارج شدند؛ در نتیجه مقابل او خاشع و خاضع نشدند و برطبق اراده او که همان سعادت جاودانه ایشان است عمل نکردند و بر عکس با پیروی از هوای نفس به دنبال زینت زندگی این دنیا رفتند و آن را بر زندگی آخرت ترجیح دادند که در نهایت نتیجه کارشان سقوط در جهنم و غذاب در آن شد.

در مقابل کسانی قرار دادند که عکس اینها عمل کردند و نتیجه ای دیگر عایدشان شد. این دسته دوم کسانی اند که همواره در برابر پروردگارشان خاضع و خاشع بودند و تلاش می‌کردند تا هیچگاه از حیطه عبادت او خارج نشوند. این عده با نهی نفس خود از هواپرستی سعی می‌کردند که تا همیشه طبق خواست خداوند متعال که ضامن سعادت دنیا و آخرت است عمل کنند که در نهایت بهشت منزلگاه آنان شد.

و اگر در مورد بهشتیان فرمود: «نفس را از هوی نهی می‌کنند» و نفرمود: «پیروی نفس را ترک می‌کنند» برای این بود که بفهماند انسان به طور معمول ضعیف است و چه بسا نادانی او را وادار به معصیت کند؛ بدون اینکه نسبت به خداوند متعال، عناد و استکباری داشته باشد؛ پس او نمی‌تواند پیروی هوای نفس را به کلی ترک کند. همینکه او در مقام نهی خود باشد چون خدا واسع المغفرة است (۵) جای امیدواری است که در بهشت موعود مأوی گزینند (۶).

مراد از «اعطاء»، انفاق مال در راه رضای خداست و منظور از «وَصَدَقَ بِالْحُسْنَى» تصدیق وعده حسنی است که آن، وعده ثوابی است که خداوند متعال در مقابل انفاق به انگیزه رضای او داده است. بی شک چنین انفاقی، تصدیق عملی مبدأ و معاد و رسالت است.

داد و نداد خدا برای امتحان است

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵) وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶) كَلَّا ... (۱۷- فجر)

هنگامی که پروردگار متعال انسان را برای آزمایش، اکرام می‌کند و نعمت می‌بخشد، او مغرور شده و می‌گوید: خداوند مرا گرامی داشته است و هنگامی که برای امتحان روزی را بر او تنگ بگیرد مایوس شده و می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است. هرگز چنین نیست که شما خیال می‌کنید.

در این آیات، مساله امتحان که معیار ثواب و عقاب الهی است و مهمترین مساله زندگی انسان محسوب می‌شود را مورد بحث قرار داده است. نخست می‌فرماید: انسان اینگونه است که چون مورد اکرام الهی قرار گیرد و بر نعمت‌های او افزوده شود فوراً این اقبال مادی را به حساب تقرب خود نزد خداوند گذاشته و از امتحان بودن این وضعیت موجود، غفلت می‌کند و نیز هنگامی که برای امتحان، قدری

شرایط مادی اش سخت می شود بلافاصله این وضعیت پیش آمده را دلیل بر سقوط ارزش خود، نزد خدا دانسته و باز هم به امتحان بودن آن توجه نمی کند.

در پایان این بخش با کلمه «کَلَّا» هر دو پندار را نفی می کند تا انسان را متوجه خطای در برداشتش کند و به او بفهماند که هر دو حالت برای امتحان اوست (۷).

چند نکته

۱. دارایی و نداری، نشانه قرب و بعد معنوی نسبت به خداوند متعال نیست. تنها ملاک در این زمینه، تقواست که فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ... إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! بی تردید گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است (۸)».

۲. دریافت نعمت و یا از دست دادن آن هر دو برای امتحان است که غفلت از می تواند انسان را به ورطه خطرناک غرور و یا کفر بکشانند.

۳. همگان در حال ابتلا و امتحان هستند؛ مثلاً آنکه سلامت است مبتلا به سلامت است و آنکه بیمار است مبتلا به بیماری است؛ هر دو در جلسه امتحان قرار دارند.

اینگونه کارها، سخت و آسان می شوند

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى (۵) وَ صدَّقَ بِالحِ لِّاسْنَى (۶) فَسَنِّيَّسْرُهُ لِّلْيسْرَى (۷) وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى (۸) وَ كَذَّبَ بِالحِ لِّاسْنَى (۹) فَسَنِّيَّسْرُهُ لِّلْعُسْرَى (۱۰- لیل)

اما کسی که [ثروتش را در راه خدا] انفاق کرد و پرهیزکاری پیشه ساخت و وعده نیکوتر را [که وعده خدا نسبت به پاداش انفاق و پرهیزکاری است] باور کرد؛ پس به زودی او را برای راه آسانی [که انجام همه اعمال نیک به توفیق خداست] آماده می کنیم و اما کسی که [از انفاق ثروت] بخل ورزید و خود را بی نیاز نشان داد و وعده نیکوتر را تکذیب کرد؛ پس او را برای راه سخت و دشواری [که سلب هرگونه توفیق از اوست] آماده می کنیم.

در این آیات سختی و آسانی و یا اعطای توفیق و سلب توفیق نسبت به انجام کارهای خیر تحلیل شده است. ابتدا در مورد صاحبان توفیق سخن می گوید و بعد، علت بی توفیقی عده دیگر را بیان می کند.

هر کس ایمان را چاشنی عمل خیر کند و بر آن مداومت داشته باشد؛ رفته رفته انجام عبادات و کار خیر، بر او آسان می شود و اگر عکس این عمل کرد؛ یعنی نه ایمان داشت و نه اهل کار خیر بود؛ رفته رفته عبادات و اعمال صالح در نظرش از کندن کوه هم سخت تر خواهد شد و هیچ رغبتی به آن در خود نمی بیند

آنان که توفیق دارند و کار خیر برایشان آسان است

مراد از «اعطاء»، انفاق مال در راه رضای خداست و منظور از «وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى» تصدیق وعده حُسنی است که آن، وعده ثوابی است که خداوند متعال در مقابل انفاق به انگیزه رضای او داده است. بی شک چنین انفاقی، تصدیق عملی مبدأ و معاد و رسالت است.

کلمه «تیسیر» به معنای تهیه کردن و آماده نمودن است و کلمه «یسری» به معنای خصلتی است که در آن آسانی باشد و هیچ دشواری در آن نباشد و منظور از آن این است که توفیق اعمال صالحه را به او می دهد و انجام اینگونه اعمال را برایش آسان می کند؛ به طوری که هیچ گونه دشواری در آن نباشد و یا منظور این است که او را آماده حیاتی سعید کند؛ حیاتی نزد پروردگارش، حیاتی بهشتی، و برای نیل به این هدف توفیق اعمال صالحی را به او می دهد.

آنان که توفیق ندارند و کار خیر برایشان دشوار است

کلمه «بخل» در مقابل کلمه «اعطاء» به معنای ندادن است و کلمه «استغناء» به معنای طلب ثروت از راه ندادن به دیگران و جمع کردن آن است و مراد از «تکذیب به حسنی»، انکار وعده حسنی و ثواب خدا است که انبیاء علیهم السلام آن را به بشر رسانده اند و معلوم است که کفر به آن وعده، کفر به مبدأ و معاد و رسالت است.

و مراد از «تیسیر للعسری»، ندادن توفیق اعمال صالح است به این شکل که اعمال صالح را در نظرش سخت و دشوار جلوه می دهد و تحملش را برای ایمان به خدا زیاد نمی کند و یا او را برای عذاب شدن آماده می کند(۹).

نتیجه اینکه هر کس ایمان را چاشنی عمل خیر کند و بر آن مداومت داشته باشد؛ رفته رفته انجام عبادات و کار خیر، بر او آسان می شود و اگر عکس این عمل کرد؛ یعنی نه ایمان داشت و نه اهل کار خیر بود؛ رفته رفته عبادات و اعمال صالح در نظرش از کندن کوه هم سخت تر خواهد شد و هیچ رغبتی به آن در خود نمی بیند.

خدا از نفس نفس اسب چه کسی به بزرگی یاد کرده است؟ وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا(۱- عادیات) سوگند به اسبان تیزرو که نفس نفس می زنند. کلمه «عادیات» از مصدر «عدو» است که به معنای دویدن با سرعت است و کلمه «ضبح» به معنای صوتی است که از نفس نفس زدن اسبان در حین دویدن شنیده می شود که معنای آیه این می شود: سوگند می خورم به اسبان تیزتک، که نفس نفس می زنند.

در حدیثی آمده است که این سوره بعد از جنگ «ذات السلاسل» نازل شد و ماجرا چنین بود: در سال هشتم هجرت به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر دادند که دوازده هزار سوار در سرزمین «یابس» جمع شده و با یکدیگر عهد کرده اند که تا پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را به قتل نرسانند و جماعت مسلمین را تلاشی نکنند از پای ننشینند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جمع کثیری از یاران خود را به فرماندهی بعضی از صحابه به سراغ آنها فرستاد؛ ولی بعد از گفتگوهایی بدون نتیجه بازگشتند. سرانجام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را با گروه کثیری از مهاجر و انصار به نبرد آنها اعزام داشت. آنها به سرعت به سوی منطقه دشمن حرکت کردند و در صبحگاهی، دشمن را در حلقه محاصره گرفتار ساختند. نخست اسلام را بر آنها عرضه داشتند؛ چون نپذیرفتند هنوز هوا تاریک بود که به آنها حمله کردند و آنان را درهم شکستند؛ عده ای را کشتند و زنان و فرزندان را اسیر کردند و اموال فراوانی به غنیمت گرفتند.

سوره «و العادیات» نازل شد در حالی که هنوز سربازان اسلام به مدینه باز نگشته بودند. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله آن روز برای نماز صبح آمد و این سوره را در نماز تلاوت فرمود. بعد از پایان نماز، اصحاب عرض کردند: این سوره را ما تا به حال نشنیده بودیم؟!

فرمود: آری، علی (ع) بر دشمنان پیروز شد و جبرئیل دیشب با آوردن این سوره به من بشارت داد. چند روز بعد علی علیه السلام با غنائم و اسیران به مدینه وارد شد (۱۰).

بر اساس این روایت خداوند متعال، به اسب علی علیه السلام و سپاه او که در حمله و کارزار با دشمن، نفس نفس می زنند قسم یاد کرده است. شگفتا از این قسم! و این نمی شود مگر به واسطه علو مقامی که علی علیه السلام نزد خداوند متعال دارد.

شکر خدا که این مجموعه با «ذِکْرُ عَلِيٍّ» به پایان رسید (۱۱).

پی نوشت ها:

(۱) مانند این آیه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (۱۶۰- انعام)

(۲) مانند ادامه همان آیه «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»

(۳) إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (۴۰- نساء)

(۴) آیه ۳۰ آل عمران و نیز آیه ۴۹ سوره کهف

(۵) آیه ۳۱ سوره نساء و آیه ۳۲ سوره نجم

(۶) المیزان ج ۲۰ ص ۱۹۲

(۷) ر.ک: تفسیر نمونه ج ۲۶ ص ۴۶۱-۴۶۲

(۸) حجرات

(۹) المیزان ج ۲۰ ص ۳۰۲-۳۰۳

(۱۰) به نقل از تفسیر نمونه ج ۲۷ ص ۲۴۰

(۱۱) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «ذِکْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ» یاد علی علیه السلام عبادت است. الاختصاص، ص ۲۲

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>